

رسوم مملکت داری در ایران

(نسخه شماره ۱۷۴۲۳ کتابخانه مجلس شورای اسلامی)

یوسف بیگ باباپور^۱

درآمد:

چندی پیش شبی در محضر استاد فاضل، حجت الاسلام ابوالفضل حافظیان بابل بودیم، ایشان ضمن فهرست نگاری مجموعه ای در بخش خطی کتابخانه مجلس، متذکر شدند که در مجموعه شماره ۱۷۴۲۳ که حاوی متفرقاتی است که بعداً توسط صحافی کنار هم صحافی شده و عمدتاً اوراقی پراکنده بودند، اثری ارزشمند نهفته است که در نگاه اول نظر ما را به خود جلب کرد. این نسخه در بین آن اوراق مشوش و پراکنده، برخلاف کل مجموعه، چاپ سنگی بود، اما فی الواقع با ارزش ترین و کامل ترین اثر مجموعه همین رساله بود.

به هر حال با تعمق و دقت بیشتر معلوم شد که نه نامی از مؤلف در آن هست و نه رساله را نامی نهاده اند. اما خود اثر گویای همه چیز بود. رساله مربوط به دوره قاجار است، اما اذعان نشده که در زمان کدام شاه قاجار و برای که تألیف شده است.

کل اثر در سه فصل و مجموعاً در ۱۴ صفحه است. عناوین فصل ها چنین است:

«فصل اول: در تکالیف اشخاص مفصله مسطور است.

فصل ثانی: در تنبیهات.

فصل سیم: در رعایت رعایاست.»

1. yosefbigbabapour@yahoo.com

در فصل اول وظایف اقشار را می‌شمارد؛ و در فصل دوم تنبیهات و جرایم هر یک را آن‌گاه که در وظیفه خود عمداً کوتاهی نمایند یا از موقعیت خود سوءاستفاده کنند. این اقشار عبارتند از: «سررشته‌دار مالیات، که عبارت باشد از پیشکار؛ تحویلدار نقدی؛ تحویلدار جنسی؛ صاحب‌منصب نظام، در جاهایی که قشون دارند؛ ممیز؛ از هر بلوکی یک نفر وکیل رعیت؛ مباشر وظایف؛ یک نفر روزنامه‌نویس که عبارت باشد از قانون‌دار؛ لشکرنویس؛ مباشر مهام خارجه، در جاهایی که مأمورین خارجه باشد؛ تکالیف هر یک را نیز معلوم و مشخص سازند و برای تقصیرات، تنبیهات معینه مقرر دارند تا احدی نتواند از حدود آن تخلف و انحراف ورزد».

و نهایتاً در فصل سوم وظایف رعایا را به اجمال بیان می‌کند. البته ارزش رساله زمانی معلوم می‌شود که در حواشی (به احتمال زیاد) پادشاه یا حاکم وقت، دستوراتی در تکمیل قوانین وضعی در رساله نوشته شده است. در واقع حواشی رساله مطالب متن را یا تأیید می‌کنند یا تکمیل.

این رساله بیشتر به کتابی در موضوع حقوق و تا حدودی قانون اساسی کشور شبیه است که در آن، بیشتر به انتظام وضع مالی و امنیت و نظام عمومی و حقوق هر کس توجه شده و چهارچوب وظایف هر یک از اقشار حکومتی و حتی مردم عادی نیز مشخص و تفکیک شده است.

بخش تنبیهات آن، که فصل دوم محسوب می‌شود، در نوع خود جالب است. در این قوانین دست سوجدویان حکومتی و کشوری از سوءاستفاده کردن از مردم کوتاه شده و گاه تا سیصد ضربه شلاق و تازیانه برای تنبیه چنین افرادی معین شده است، بدون هیچ گونه ملاحظه‌ای. رشوه‌گیری از بدترین اعمال مسئول حکومتی است و آن شخص حتی اگر حاکم هم باشد، باید تنبیه شود.

آغاز رساله کوبنده و تکان‌دهنده است: «از بدیهیات و مسلمات عقلی است که عزل و نصب حکام هر قدر بیشتر بشود، خرابی رعیت بیشتر حاصل می‌شود؛ چرا که حکام هرگز اعتماد بر حکومت خود ندارند و مهما امکان در مقام اندوختن مال و تاخت‌وتاز رعیت بر می‌آیند و همین معنی موجب خرابی ولایت و پریشانی رعیت خواهد بود!».

اگرچه در دوره قاجار با چنین سیاستی روبرو نیستیم، اما بی‌گمان این اندیشه روشنفکرانه و خردورزانه از آن بستر تاریخی برخاسته و به صحه پادشاه یا حاکم وقت رسیده است. اینک متن رساله:

بسم الله الرحمن الرحيم

از بدیهیات و مسلمات عقلی است که عزل و نصب حکام هر قدر بیشتر بشود، خرابی رعیت بیشتر حاصل می‌شود؛ چرا که حکام هرگز اعتماد بر حکومت خود ندارند و مهما امکان در مقام اندوختن مال و تاخت‌وتاز رعیت بر می‌آیند و همین معنی موجب خرابی ولایت و پریشانی رعیت خواهد بود.

و تغییر و تبدیل حکام از دو جهت می‌شود: یکی به واسطه پیشکش و تعارفات دیوانیان؛ و دیگر از جهت

تحریکات اشخاصی است که طالب فساد و اغتشاش و راغب حکومت هستند. رأی جهان‌آرای همایون سرکار اعلی حضرت قَدْرُ قُدْرَت شاهنشاهی _ روح العالمین فداه _ بر آن علاقه یافت که هر دوی این معایب را مرتفع سازند تا حکام به آسودگی و اطمینان مشغول نظم ولایت و سرپرستی رعیت بوده، در مقام آبادی ولایت برآیند و مفسدین از فساد مقطوع الطمع گردیده، در پی کسب معیشت و آسودگی خود برآیند؛ اگر چه بعون الله تعالی متدرجاً قوانین مستحسنة و قواعد محکمه در این باب مقرر خواهند داشت، لکن عجالاً چیزی که باعث استدامت حکام و نظم و آسودگی ولایت است، در دو کار یافته، امر و مقرر داشتند که اولاً پیشکش گرفتن در تعیین حکومت به کلی متروک و منسوخ باشد و تعارفات اولیای دولت و خدمتانه محصلین که لازم شود، مأمور نمایند از دیوان اعلی مقرر گردد؛ و این نوع حواله و اطلاق که معمول و متداول این ایام است و به اختیار حاکم می‌باشد، متروک گردد، به کلی تعدیات مباشرین و محصلین رفع شود که اقلاً از این رهگذر آسوده باشند؛ و اجرای این قرار بدین نحو ممکن است که اختیار حواله مالیات مستقلاً در دست حکام نباشد. برای هر ولایتی چند نفر اجزا از این قرار مقرر دارند:

- سررشته‌دار مالیات، که عبارت باشد از پیشکار.
 - تحویلدار نقدی.
 - تحویلدار جنسی.
 - صاحب‌منصب نظام، در جاهایی که قشون دارند.
 - ممیز.
 - از هر بلوکی یک نفر وکیل رعیت.
 - مباشر وظایف.
 - یک نفر روزنامه‌نویس که عبارت از قانون‌دار باشد.
 - لشکرنویس.
 - مباشر مهمام خارجه، در جاهایی که مأمورین خارجه باشد.
- و تکالیف هر یک را نیز معلوم و مشخص سازند و برای تقصیرات، تنبیهات معینه مقرر دارند تا احدی نتواند از حدود آن تخلف و انحراف ورزد.
- و این نسخه مشتمل بر سه فصل است:

فصل اول

در تکالیف اشخاص مفصله مسطور است

اول، تکلیف دیوانیان است که قرار حق‌الحکومه و اخراجات حاکم و پیشکار و تحویلدار. و این اصحاب را به قدر ضرورت مخارجشان را بدهند و اخراجات این‌ها هم سه نوع است: یکی، اخراجات شخصی شام و نهار و عیال و نوکر و اسب و خرج سفره‌شان که باید به قدر ضرورت هر یک داد.

دیگر، مخارج مترددین است که نوکر این دولت هستند، از قبیل حاکم فلان ولایت با فلان نوکری که در فلان ولایت عبور می‌کند، حاکم و سایر مأمورین مختار خواهند بود به دیوان مدخلیت ندارد. این گونه مخارج به عهده خودشان است.

دیگر، از قبیل سفرای خارجه و کسانی که مهمان دولت هستند، اخراجات آن‌ها هر چه بشود، به اطلاع مأمورین به عهده دولت خواهد بود. برای تحویلدار و ممیز و مباشر وظایف و وکلا باید قرار اخراجاتی داده شود که صرف معیشت خود نمایند و دست تعدی به رعیت باز نکنند.

تکلیف حاکم، حفظ ناموس جمیع نفوس و امنیت ولایت و آسایش رعیت و تأمین معابر و مسالک و دفع اشرار و قطع‌الطریق و رفع ظلم و جور و احقاق حق ذوی‌الحقوق و حفظ حدود ارکان این قانون و مراقبت کلیه به حالت رعیت که از سایرین آزار و اذیت نرسد و تعدی و اجحاف بر رعیت نشود و خودش با حکم و تعلیقه مالیات به جایی حواله نکند، مگر با براتی که در ظهر آن مهر سررشته‌دار و تحویلدار و وکیل رعیت آن بلوک باشد. محصلین به جایی نفرستند، مگر در صورت ضرورت کلیه و آن این است که با مالیات جایی نرسد، برای اخذ مالیات اگر محصلین بفرستند باید به اطلاع و صوابدید سررشته‌دار و تحویلدار و وکیل آن بلوک باشد، آن هم به ترتیبی که بعد ذکر خواهد شد؛ و اگر برای عرض عارضی است، آن هم باید چنان محصلی بفرستد که دیناری از کسی چیزی نتواند گرفت، مگر این که مدعی‌الیه را حاضر نماید.

تکلیف حاکم است که اگر عارضی عرض کند، رسیدگی نماید، به این نحو که اول از عارض التزام بگیرد که اگر عرض خلاف کرده باشد و دروغ بگوید، به حد مقری که در فصل تنبیهات ذکر شد، دچار گردد. پس از آن مدعی‌الیه را اگر در شهر است، حاضر کند و اگر در بلوک است، از وکیل آن بلوک بخواهد. اگر متقبل حضور مدعی‌الیه شد، التزام بسپارد که در فلان روز حاضر خواهد کرد و از عهده برآید؛ و اگر وکیل منکر از تقبل حضور آن شد، به اطلاع وکیل محصل مأمور شده بی‌این که مطلقاً تعرضی برساند یا چیزی بگیرد، او را حاضر سازد. اگر عمل شرعی است، بعد از التزام طرفین که یکی از حکام شرع را منتخب نموده، التزام سپردند، رجوع به مرافعه نماید؛ و اگر عرفی است، از قبیل ستم شریکی یا ظلم فاحش مثل اذیت و آزار یدی و امثال آن، خود غوررسی نموده، به اطلاع وکیل آن بلوک، و اگر از قشون باشد، به اطلاع آن صاحب‌منصب قشون بگذراند و رفع نماید.

حاکم حکمی خواهد نوشت به رعایای کل بلوک و قرا و قصبات و ایلات که بعد از این اذن نخواهید داشت تا برات به فلان طور و فلان مهر نباشد، به احدى یک دینار مالیات بدهید. هر کس این طور برات برای شما آورد، به تفصیل و ترتیبی که بعد نوشته می‌شود، مالیات بدهید و این طور برات به جهت سند خود بگیرد، و اگر غیر از این برات به کسی چیزی بدهید، با شما محسوب نخواهد شد.

بر حاکم واجب است که یک نفر محرر از جانب خودش برای برداشتن ثبت و احکام و بروات نگاه دارد و اگر سررشته‌دار بخواهد زیاد حواله کند یا از دستورالعمل دیوان تجاوز نماید، حاکم را مستحضر سازد.

تکلیف پیشکار سررشته‌دار آن است که اختیار حواله را به دست حاکم و نایب نگذارد. از دیوان صورت جزو جمع ولایت را به سررشته‌دار که پیشکار است، بدهند و مطابق همان جزو جمع حواله کند.

مالیات از چند چیز است: وجوه و گمرک و خالصه و اربابی و مراغ و مواش؛ و گمرک را اولیای دولت مخصوصاً در هر سال به اجاره خواهند داد و مستأجر معین خواهد داشت، مگر این که حاکم خود قبول کند. در صورتی که حاکم هم مثل سایرین قبول کند، البته حاکم مقدم خواهد بود و سایر وجوه معموله و لایه را حاکم و سررشته‌دار به اطلاع یکدیگر اجاره خواهند داد. خالصجات را یا اولیای دولت پنج ساله و ده ساله اجاره خواهند داد؛ به هر کس اجاره دادند، به شرایطی چند خواهد بود. حاکم و سررشته‌دار مستحق مطالبه همان وجه اجاره که اولیای دولت قرار می‌دهند، هستند که همان را از مستأجر مطالبه و دریافت نمایند و دیگر به هیچ وجه مداخله در کار خالصه نمایند، و الا اگر به اجاره ندهند و حاکم و سررشته‌دار یا به رعیت به مستأجر معتبر دیگر به شرایطی که دیوانیان مقرر خواهند داشت، اجاره پنج ساله یا ده ساله بدهند و برای اطمینان و استحکام عمل مستأجر همان اجاره‌نامه را فرستاده، بر طبق آن فرمان همایون صادر کنند؛ و اگر حاکم سررشته‌دار خواسته باشد خود عمل کنند، نباید حکماً آنچه عمل دیوان است، یا زیادتر از رعیت مطالبه نمایند. اول باید به خود رعیت تکلیف کنند، اگر قبول اجاره نموده، به اطلاع حاکم شرع و لایه اجاره‌نامه سپرند، همان وجه اجاره را مطالبه نمایند، و الا اگر رعیت قبول نکند، خود ضابط امین بگمارد و نسق درست بگیرد و به قسمی که معمول ولایت است، حق و سهم خود را از محصول آنجا ضبط کنند، نفع و ضرر آن به رعیت مدخلت نخواهد داشت، با حاکم و پیشکار خواهد بود و قرار اجاره خالصه در پنج سال ده سال این است، خواه اولیای دولت اجاره بدهند یا حاکم و سررشته‌دار.

خالصجات بر دو قسم است: در بعضی جاها منفعت دارد، در بعضی جاها کسر آنچه منفعت دارد. بدیهی است به اندازه منفعت خواهند افزود؛ و آنجا که کسر دارد، به این طور قرار بدهند که در سه سال اول تخفیفی منظور دارند و در سه سال بعد از آن تمام و کمال مالیات را ادا نمایند و در دو سال بعد از آن، آن تخفیف سه سال سابق را از عهده برآیند و در دو سال آخر یک دهیک علاوه از اصل مالیات منفعت به دیوان بدهند و در وقتی که خالصجات را اجاره می‌دهند، یک نفر ممیز مأمور خواهند نمود که رفته از هر جهت خالصجات را بازدید کرده، از آبادی و رعیت و آب و زراعت‌گاه و غیره بازدید نموده، تحویل مستأجر بدهد. در سال دهم که موعد واگذاشتن مستأجر است، باز ممیز رفته تحویل بگیرد، اگر یک دهیک بر آبادی و منافع خالصه افزوده است، در نزد اولیای دولت مستحسن خواهد بود و مستأجر مورد التفات خواهد شد و اگر دوباره هم خواسته باشد، به او به قراری جدید اجاره داده می‌شود؛ و اگر هیچ تغییر در افزونی آبادی آنجا نکرده است، تنبیه بی‌اهتمامی مستأجر همان یک دهیک علاوه از مالیات کافی است؛ و اگر در آبادی آن‌ها کسر و نقصی به هم رسیده باشد، آن مستأجر باید از ادای وجه اجاره تماماً کاملاً برآید و مدت یک سال هم در حبس باشد. بعد از آن هم احدی در هیچ جا قول او را معتبر و مناط نخواهد داشت.

اما مالیات اربابی را سررشته‌دار برات به جزو ده به ده می‌کند و اختیار حواله را به دست نواب نمی‌دهد. وجود نواب بلوکات فقط برای حفظ امنیت خواهد بود که نگذارد مردم به یکدیگر تعدی کنند. برات مالیات را سررشته‌دار به اطلاع حاکم موافق دستورالعمل دیوان حواله به جزو می‌کند. برات باید به مهر حاکم باشد و در پشت آن مهر و ثبت سررشته‌دار و تحویلدار و وکیل رعیت را داشته باشد. آن بروات را کلاً تحویل

تحویله‌دار و ابواب‌جمع او می‌نمایند و قرار قسط می‌گذارند و به اندازه همان قسط حواله به تحویله‌دار می‌نمایند که قسط دیوان و حاکم و سررشته‌دار و برات‌دار و ارباب و وظایف و غیره از هر کسی را به قدر قسط عاید سازد که چنان نباشد یکی حق خود را بالتامم ببرد و یکی در آخر نتواند حق خود را وصول کند و به عسرت بکشد. هر چه می‌شود همه به قدر اندازه خود ببرد و هر قدر هم می‌ماند از همه بماند.

تکلیف تحویله‌دار این است که بروات حاکم را گرفته، به وکلای بلوکات بدهد و تمسک از آن‌ها گرفته، قرار قسط بگذارد و قسط به قسط دریافت نماید و موافق برات حاکم و پیشکار قسط هر کسی را برساند. حاکم و سررشته‌دار نباید برات احدی را حواله به محل نماید، مگر این که از محل قسط به قسط وصول کرده، آورده، تحویل تحویله‌دار، به اطلاع حاکم و سررشته‌دار، دریافت نمایند.

تکلیف محصلین این است که از محصلین خواه از دربار همایون به ولایات یا از حکام به قرا و دهات مهما ممکن مأمور نخواهد شد. بعد از آن که بر حسب لزوم و ضرورت مأمور شود، آنچه از دربار همایون مأمور می‌شود، خدمتانه آن در حکم مأموریت مشخص خواهد شد که چه قدر و از کجا داده شود و آن چه حکام مأمور نمایند اگر برای وصول مالیاتی است که تعویق افتاده باشد، از هر کس که مالیات را معطل داشته و نداده است، تومانی دوپست دینار خدمتانه دریافت خواهد گردید بدون این که به دیگری اذیت برساند و اگر برای طی دعوی است از بابت دهیکی که باید به حاکم برسد، یک عشر از دهیک را بعد از اتمام عمل به جهت اخراجات خود دریافت خواهد نمود.

تکلیف صاحب‌منصب قشون و لشکرنویس این است که اگر کاری فیما بین نوکر و رعیت اتفاق افتد، حاکم به اطلاع او تصفیه و اصلاح نماید؛ و اگر از نوکر باب کسی در ادای مال دیوان خود اهمال نماید، گرفته برساند و مواجهی که به نوکر داده می‌شود باید تن‌خواه موجب نوکر را بالتامم موجود نموده، بعد از آن کل نوکر را حاضر کرده، حاکم و سررشته‌دار و تحویله‌دار و صاحب‌منصب نظام و لشکرنویس نشسته در حضور آن‌ها نفر به نفر موجب به نوکر داده شود؛ و اگر از وزارتخانه لشکر لازم بدانند آدم دیگر هم تعیین خواهند کرد که او هم حضور داشته باشد و در عمل قشون مطلقاً استحضار لشکرنویس را شرط عمدۀ دانند.

تکلیف وکلا این است که از هر قریه‌ای یک نفر کدخدا که رعیت ثبول نمایند، به اطلاع حاکم و سررشته‌دار مباشر کار خود قرار بدهند، برات مالیات را که از تحویله‌دار می‌گیرند، قسط آن را موافق تشخیص سررشته‌دار به کدخدایان و اربابان حواله می‌نماید که وصول کرده، قسط به قسط آورده، تحویل وکلا نمایند و همیشه روزنامه احوال دهات را برای آن‌ها بیاورند که آن چه در عرض یک ماه از تغییر و تبدیل و تولید و موت و غیره واقع می‌شود، در آن بنویسند که به وکلا برسانند و وکلا به حاکم بدهند و حاکم به روزنامه‌نویس بدهد که یا خلاصه یا اصل آن را برای اولیای دولت بفرستد.

تکلیف کدخدایان و رعایای دهات این است که از هر بلوکی به رضای خواطر خود یک نفر وکیل تعیین نمایند، اولاً مالیات هر کسی را به قدری که حاکم و پیشکار حواله می‌کنند، موافق بنیچه و سرشمار و مراغ و مواش هر کسی مشخص کرده، حواله نماید که هر کسی در قسط معین مالیات خود را داده، قبض از کدخدا دریافت نماید و بدون قبض کدخدا دیناری ندهند و هر کس مالیات خود را در موعد مقرر نپردازد،

به تنبیهات مقرره که در فصل تنبیهات ذکر خواهد شد، دچار خواهد گشت. و می‌باید کدخدایان مالیات را قسط به قسط وصول نموده، نزد وکلای خود بفرستند. اگر احیاناً بعضی از بلوکات دور باشد که نتوانند کدخدایان مالیات را خود به وکلا برسانند، حاکم یا از اهل آن بلوک یا نایبی که برای آنجا تعیین کرده است، امینی را مشخص خواهد کرد که کدخدایان پول خود را قسط به قسط به او داده، قبض دریافت نمایند و او فرستاده، به وکیل آن بلوک برساند؛ و کدخدایان دهات ماه به ماه روزنامه وقایع/تفاتیقه هر ده را هر چه واقع می‌شود، از موت و تولید و تغییر و تبدیل، همه را نوشته، به وکلای خود برسانند که آن‌ها بعد از اطلاع حاکم به روزنامه‌نویس دولتی بدهند.

تکلیف ممیز این است که هر یک از دهات را که اول وکلا قبول نکنند و بگویند کسر دارد، موافق دستورالعمل حاکم و سررشته‌دار رفته، از قرار معمول ولایت ممیزی و مساحت نماید و اگر کسر داشته باشد، معلوم نماید که همه ساله جاهایی که منفعت داشته و عوض کسر آمده گذاشته می‌شده کجا بوده، با اطلاع حاکم و پیشکار، ممیزی و مساحت کند و صورت ممیزی را هم به دفترخانه دولت بفرستد و هم به حاکم و پیشکار بدهد؛ و اگر در ولایت سراغ کند جاهایی را که از ممیزی برای دولت منفعتی علاوه حاصل می‌شود، به اولیای دولت عرض کند.

فصل ثانی در تنبیهات

نظم کلی خواهد شد مگر به تعیین حدود تنبیهات و عدم گذشت از آن. استقرار نظم منوط به استحکام قواعد تنبیهات و مساوات در اجرای آن که فرق مابین غنی و فقیر نگذارند و حسب و نسب را نشمارند، خادم را جزا دهند و خائن را سزا بخشند و کافه ناس یقین بدانند از آن چه در حدود تنبیهات مقرر می‌شود، واسطه و وسایط و پیشکش اسباب گذشت آن نخواهد شد.

حاکم و سررشته‌دار اگر زیادتر از دستورالعمل دیوانی به رعیت حواله کنند، اگر از یک تومان تا پانصد تومان گرفته باشد، در سال اول اصل آن را به رعیت پس بدهد و معادل همان هم از حق‌الحکومه او تا یک سال قطع خواهد شد؛ و اگر یک سال دیگر هم مرتکب این عمل شود، حکم کسی بر او جاری خواهد شد که هزار تومان تعدی کرده باشد و اگر از پانصد تومان تجاوز کند، خواه منفرداً یا مشترکاً معزول خواهد شد؛ و اگر از هزار تومان تجاوز کند، بعد از عزل، شش ماه هم در محبس خواهد بود و به دو هزار تومان که رسید، او را به هیچ خدمتی مأمور نخواهند کرد و بعد از مرخصی از حبس هم احدی با او تا یک سال معاشرت نخواهد کرد.

حاکم مأذون خواهد بود که در دعاوی بعد از اتمام یک ده یک برای خودش و خدمتانه محصل من حیث المجموع دریافت کند، دیگر محصل یا نوکر حاکم احدی نباید حبه و دیناری بگیرند. اگر حاکم زیادتر بگیرد، تنبیه آن همان است که در فوق مسطور است. اگر محصل بگیرد، تن خواه بالمضاعف از او دریافت و هر تومانی ده روز محبوس خواهد بود.

بلوکات نزدیک به دارالحکومه با این قرارداد حاجت به نایب ندارد و نواب بلوکات دوردست نباید در مطالبه مالیات مداخله نمایند. شغل آنها حفظ و صیانت رعیت است از شرّ اشرار و رسیدگی به اینکه نگذارد کسی به کسی ظلم و ستم شریکی کند؛ و هر قدر حاکم و پیشکار برای اخراجات او معین می‌نماید، باید دستی بگیرد، مأذون به حواله و داد و ستد نخواهد بود؛ و اگر از کسی به اسم جریمه و غیره چیزی بگیرد، از یک تومان تا بیست تومان را بالمضاعف از او گرفته خواهد شد و از بیست تومان تعدی که تجاوز کند، معزول خواهد شد. اگر به صد تومان برسد، دویست تازیانه خواهد خورد و شش ماه در محبس معامله محبوسین با او می‌شود.

مقصری اگر در بلوکی باشد، گرفته حبس کند و به حاکم اطلاع بدهد تا آورده، غوررسی کند، اگر خودسر کسی را که مقصر است، گرفته حبس کرد و بی‌اذن حاکم مرخص کرد، به تفاوت تقصیر ولایت از ده تومان تا صد تومان جریمه خواهد داد.

کدخدا اگر در حواله و اخذ مالیات زیادت می‌کند، آن چه زیادتی کرده باشد، به علاوه تومانی روزی یک شاهی خدمتانه خواهد داد؛ و اگر کسی آن زیادتی از یک تومان تا پنج تومان باشد، تومانی دو روز در محبس خواهد ماند؛ و اگر از پنج تومان بگذرد، به علاوه ایام حبس، دویست تازیانه خواهد خورد و از کدخدایی معزول خواهد شد.

رعیت می‌باید مالیات خود را موافق تقسیم کدخدا در سر قسط کارسازی کند و هرگاه در قسط معین نرساند، اگر عذری موجه داشته باشد، به کدخدا به اطلاع چند نفر از اهل آبادی اعلام کند و خبر دهد که به فلان جهت این قسط را نمی‌توانم بدهم. اگر کدخدا خلافتش را مدلل کرد، به نایب بلوک یا به وکیل شهری خود اخبار می‌کند، فوراً او را آورده، آنچه مالیات از او به عقب افتاده، دریافت می‌نماید و در ازای این تقصیر هر تومانی را بیست روز در حبس نگاه می‌دارند.

و اگر حاکم در اجرای حدود تنبیهات مزبوره کوتاهی کند یا بدون جهت کسی را در مقام تنبیه درآورد و مدلل کند، از صد تومان تا پانصد تومان خواهد داد.

ممیز اگر در ممیزی جایی که مأمور می‌شود، بی‌عدالتی کند و معلوم شود رشوه گرفته و بار کسی به دوش دیگری گذاشته، از یک ماه تا شش ماه در حبس خواهد بود و از شغل معزول می‌شود.

روزنامه‌نویس دیوان روزنامه دهات و بلوکات را بعینه نزد اولیای دولت بفرستد و غیر از آن هم وقایع را بدون کم و زیاد بنویسد، اگر به غرض و خلاف چیزی بنویسد و معلوم شود، معزول خواهد شد و ابداً هیچ خدمتی به او رجوع نخواهد شد و سیصد تازیانه خواهد خورد.

تحویله‌دار اگر در گرفتن تن‌خواه زیادتی کند و زیاد بگیرد از رعیت یا سخت‌گیری بی‌جهت کند و ایراد بگیرد و مطالبه رسوم کند، آنچه زیادتی کرده باشد، از او استرداد خواهد شد، به علاوه تومانی صد دینار خدمتانه و اگر زیادتی آن از صد تومان بگذرد، معزول و شش ماه محبوس خواهد شد.

به کسی که در حق کسی افترا بگوید، یعنی به دروغ عرضی بکند، اگر از محرّمات شرعی اسناد داده است و از معاصی کبیره به کذب اسناد دهد، آن چه حکم شرعی آن است، در حق او جاری خواهد گردید؛ و

اگر مدلل گردد در حقّ فاعل و جاعل آن چه حکم شرع است، حدود شرعی به عمل خواهد آمد؛ و اگر اسناد ممنوعات عرفی است که بگوید به من ظلم کردند یا فلان قدر مال مرا از من گرفتند یا فلان قدر بی‌حسابی کردند و به کذب اسناد دهد، دویست تازیانه خواهد خورد، از یک ماه تا شش ماه در حبس خواهد بود. **محصل** اگر در مأموریت بهانه‌جویی کند یا در مقام شلتاق و آزار و اذیت کسی برآید یا زیاده از آنچه در حکم او مقرر شده است، مطالبه نماید، از صد الی سیصد تازیانه خواهد خورد و از یک ماه تا شش ماه در حبس خواهد بود.

فصل سیم

در رعایت رعایاست

که در حقیقت رعایت رعیت نیز منوط بر آن است که بعضی مخارجی که حالا معمول است، از قبیل پیشکش و تعارفات در خانه و تکلف در خانه و اخراجات محصلین و غیره از حاکم مطالبه نشود، مگر این که از دیوان وجهی در برابر این گونه اخراجات معین شود و قراری هم در باب این طور مخارج داده شود، به اطلاع پیشکار و تحویلدار داده شود. در آخر سال به کم و زیاد حساب آن رجوع شود و حدود تنبیهاتی نیز برای خلاف کننده آن مقرر شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بسم الله الرحمن الرحيم

از بدیهات و سبب عقلی است که غرض از نصب حکام هر قدر بیشتر شود و عزای
 بیشتر حاصل می‌شود و هرگز آنکه حکام هرگز از اعتماد و حکومت خود ندارند و همگان در تمام
 اندوه و غم و انداختن از عزت می‌آیند و همین یعنی بویست از پیش از عزت این
 و بیشتر بندگی حکام از بدیهه می‌شود یکی بویست پیش از تعارفات بویست دیگر از
 ترسکات شخصیت که طالبان دولت باشند و رغبت حکومت می‌شود از جانب
 آرا و بویست که در این صورت قدر قدرت شاهنشاهی روح اهلین فساد
 بر آن علاوه یافت که هر دو این معانی از شعری سازند تا حکام آموزد که در طریقت
 مشغول نظم و لایت سرپرستی عقبت بوده در مقام آبادی لایت بیستم و فساد
 از فساد و قطع الطبع گردیده در پی کسب عیبت و آموذگی خود برینند اگر چه بویست
 سند و بجا و این سخن در واقع حکم در غایت خیر خواهد بود لکن عمال آخری که
 باعث استبداد حکام و نظم و آموذگی لایت است اردو کار با و امر و مقرر شد

پیام بهارستان / ۲۰، ۴، س، ۴، ش، ۱۳ / پاییز ۱۳۹۰

که اولاً پیشکش کردن و تعیین حکومت کلی متروک و منسوخ باشد و معارضه
 و ایامی دولت خوستانه تحصیل که لازم شود ما مورفاً بنده از دیوان علی متفرک کرد
 در این نوع حواله و اسلاف که معمول است اول این بام است و چه بسا حکام
 پادشاه متروک کرده و بجای نقیبات بیشترین تحصیل رخ شود که اولاً این
 را بگذراند آسوده باشند و اجرای این ترار برین نحو ممکن است که حسب احوال
 مستحقاً در دست حکام نباشد برای هر دو این چند نفر اجراء از هزار متفرک و از
 کجاست در امانت بخود ارغدی بخود اجرتی که در نظام درگاه
 میرزا و کوزل کوزل میرزا بر شش و هفت کینه روزانه در دست
 شکر و بر سر کوزل کوزل میرزا در دست
 در کالیف هر یک را نیز معلوم و مشخص سازند و برای تقصیرات پشیمان
 معذور دارند تا احدی نتواند از حد و آن تخلف بخلاف رزد و این مستور
 مشعل بر سه فصل است فصل اول در کالیف شخاص فصل دوم در
 اول تخلف دیوان است که وزارت الحکومه و اجرائات حکم و پیشکار
 و این اصحاب را بقدر ضرورت مختار جان را بر بند و اجرائات بنام
 سه نوع است یکی اجرائات شخصی شام و نهار و عیال و کور و هب منج منسوب
 که باید بقدر ضرورت هر یک از او دیگر محتاج متروک است که نوکر
 این دولت پادشاه از قبیل حکم فلان و لامیت با فلان نوکر که در فلان

فلان با شرف و تقوی و غیره که در اجرائات
 میرزا و کوزل کوزل میرزا در دست
 شکر و بر سر کوزل کوزل میرزا در دست
 در کالیف هر یک را نیز معلوم و مشخص سازند
 معذور دارند تا احدی نتواند از حد و آن تخلف
 مشعل بر سه فصل است فصل اول در کالیف
 اول تخلف دیوان است که وزارت الحکومه و
 و این اصحاب را بقدر ضرورت مختار جان را
 سه نوع است یکی اجرائات شخصی شام و
 که باید بقدر ضرورت هر یک از او دیگر
 این دولت پادشاه از قبیل حکم فلان و
 لامیت با فلان نوکر که در فلان

پیام بهارستان / ۲۰، ۴، ش ۱۳، سپتامبر ۱۳۹۰

۱۳
 چو بر یکند حاکم دیگانه بن شمار خواهند بود بر یوان به نعلت نزار در یکروزه نفع
 بعد خودشان است دیگر از قبیل سفر خارجه و کسانی که همان دولتند
 اخراجات آنها هر چه بشود با قلع ما مورین بعد دولت خواهد بود بر آنچه بود
 و نیز در با شتر طایفه و کلا باید قرار اخراجات داده شود که صرف نیست
 نمایند و دست قندی عیبت باز نکنند بگلف حاکم خط ناموس چس
 لغت و ایت و ایت و آسایش عیبت این معابر و مسالکت دفع شهره
 و قطع اهترین در غم و جور و حمان حق و می الحوق و حفظ حدود دارکان
 این قانون و مراقبت یکدیگر است. وقت که از سایرین آزار و اذیت نرسند
 و تعدی و اجابت رعایت شود و در هر دو حکم و عیبت ایالت بجای حواله
 نگیرد که با براتی که در نظر آن مقرر شده دارد و نحو بدار و کبیل عقبت این بود
 باشد و محصل بجای نرسند که در صورت ضرورت بکند و آن نیست که با
 ایالت بجای نرسد برای ایالت اگر محصل نرسند باید با قلع و حواله
 سر رسیده دارد و نحو بدار و کبیل آن بگویند بهشت است که بعد از خواهد
 و اگر برای عرض رضی است آنم باید چنان محصل نرسند که و بنا بر آنچه
 تواند که رفت که بگردد علی ایله را حاضر نماید بگلف حاکم است که اگر عرض عرض
 کند رسیدگی نماید باین نحو که اذلال از عارض الرام یکسره که اگر عرض خطاب
 کرده باشد و دروغ بگوید بجهت مشرفی که در فصل شهادت مقرر خواهد شد و چاکر دد

حاکم و سایرین که در این کتاب مذکور است باید که در این کتاب
 رعایت نمایند که در هر چه در این کتاب مذکور است باید که
 رعایت نمایند که در هر چه در این کتاب مذکور است باید که
 رعایت نمایند که در هر چه در این کتاب مذکور است باید که

کس از آن

پیام بهارستان / ۲۴، س ۴، ش ۱۳ / پاییز ۱۳۹۰

۴

پس از آن ترمعی له با اگر در شهرت حاضر کند و اگر در بوک است از وکیل
 بوک بخوابد اگر قبض حضور ترمعی الیه شد الزام بسیار که در همان روز حاضر
 خواهد کرد و از عهد برآید و اگر وکیل مگر از قبض حضور آن شد بطلان وکیل
 محصل نامور شده بنی بنیکه مطلقاً ترمعی رساند با چیزی کرد و او را حاضر سازد و اگر
 شرمعی است بعد از الزام طرفین که یکی از حکام شرحه اشخاص و الزام شرمعی
 رجوع خواهد نماید و اگر غرضی است از قبیل شرمعی یا ظلم خاص مثل اذیت و آزار
 بدی مثال آن خود غورسی نموده بطلان وکیل آن بوک اگر از افزون باشد بطلان
 صاحب منصبی بگذرانند و رفع نماید حاکم حکمی خواهد نوشت بر عابای کل بوک
 و فرا و قضایات که بعد از این اذن نخواهد داشت تا برات بطلان
 فلان مهر نماند با جدی یکدیگر یا ایات بدید هر کس اینطور برآورد برای
 آورد و تفصیل و ترمعی که بعد نوشته شود ایات بدید و اینطور برات بجهت
 سند خود بگوید و اگر غیر از این برات بجهت چیزی بدید یا شامحوب خواهد
 بر حاکم و حسب است که بجز هر تراز جانب خود نشن ای و شرمعی است حاکم
 نگاه دارد و اگر سر رشته در بخوابد یا حواله کند یا از دستور لیل دیوان بخواند
 نماید حاکم را شرمعی سازد و بجهت پنجار سر رشته داده آن است که حسب حواله
 بدست حاکم و نایب نگذارد از دیوان صورت خود جمع و ایست را بر سر رشته
 که پنجار است بدیند و مطابق همان خود جمع حواله کند ایات از خود خرد

اینکه در این صورت که در بوک است از وکیل بوک بخوابد اگر قبض حضور ترمعی الیه شد الزام بسیار که در همان روز حاضر خواهد کرد و از عهد برآید و اگر وکیل مگر از قبض حضور آن شد بطلان وکیل محصل نامور شده بنی بنیکه مطلقاً ترمعی رساند با چیزی کرد و او را حاضر سازد و اگر شرمعی است بعد از الزام طرفین که یکی از حکام شرحه اشخاص و الزام شرمعی رجوع خواهد نماید و اگر غرضی است از قبیل شرمعی یا ظلم خاص مثل اذیت و آزار بدی مثال آن خود غورسی نموده بطلان وکیل آن بوک اگر از افزون باشد بطلان صاحب منصبی بگذرانند و رفع نماید حاکم حکمی خواهد نوشت بر عابای کل بوک و فرا و قضایات که بعد از این اذن نخواهد داشت تا برات بطلان فلان مهر نماند با جدی یکدیگر یا ایات بدید هر کس اینطور برآورد برای آورد و تفصیل و ترمعی که بعد نوشته شود ایات بدید و اینطور برات بجهت سند خود بگوید و اگر غیر از این برات بجهت چیزی بدید یا شامحوب خواهد بر حاکم و حسب است که بجز هر تراز جانب خود نشن ای و شرمعی است حاکم نگاه دارد و اگر سر رشته در بخوابد یا حواله کند یا از دستور لیل دیوان بخواند نماید حاکم را شرمعی سازد و بجهت پنجار سر رشته داده آن است که حسب حواله بدست حاکم و نایب نگذارد از دیوان صورت خود جمع و ایست را بر سر رشته که پنجار است بدیند و مطابق همان خود جمع حواله کند ایات از خود خرد

پیام بهارستان / ۲۰، س ۴، ش ۱۳ / پاییز ۱۳۹۰

وجود و کتک و خالصه دار بانی و مراغ و موشش و کتک را اولیای بی دولت مخصوصا
 در هر سال با جاره خواهند داد و مستأجر زمین خواهد داشت که اینکند حکم خود قبول کند
 در صورتیکه حکم بمثل سایرین قبول کند البته حکم مقدم خواهد بود و در غیره هم ولایت
 حاکم و سررشته دار با طلاع یکدیگر اجاره خواهند داد و خالصه را با اولیای دولت و بی
 دولت سال اجاره خواهند داد و بکسر اجاره دادند شب ایلطی چند خواهد بود حکم و سررشته
 مستحق مطالبه همان وجه اجاره که اولیای دولت و آریه دهندند که همانرا از مستأجر
 مطالبه و دریافت نمایند و دیگر هیچ وجهی در کار خالصه نمایند و الا اگر اجاره دهند
 و حاکم و سررشته دار بر عین مستأجر زمین دیگر شایلی که در میان تفرق خواهند داشت
 اجاره و بختیله با ده ساله به بند و برای اطمینان و استحکام عمل مستأجر همان اجاره نامرد
 زمستانه در بطن آن زمان صاف کنند و اگر حاکم و سررشته دار خواسته باشد عمل کنند
 بناید حکم آنچه عمل در آن است یا زیادتر از وقت مطالبه نمایند اول باید خود عین تکلیف
 کنند که قبول اجاره نموده با طلاع حاکم و سررشته دار ولایت اجاره نامردند همان وجه
 اجاره را مطالبه نمایند و الا اگر عین قبول نگیرد خود ضابطه این بکارند و نسیب در کسب
 بر بعضی که متون لایست است حق سهم خود را از محصول آنجا ضبط کنند و ضرر آن
 بر عین میمنت نخواهد داشت حاکم و پیشکار خواهد بود و فرار اجاره خالصه بختیله در
 این است خواهد اولیای دولت اجاره به بند یا حاکم و سررشته دار خالصه است و در
 بعضی یا منصفت ارد و بعضی یا کسر آنچه منصفت ارد به بیست باره منصفت خواهند

اینکند حکم خود قبول کند
 در صورتیکه حکم بمثل سایرین قبول کند
 البته حکم مقدم خواهد بود
 و در غیره هم ولایت
 حاکم و سررشته دار با طلاع
 یکدیگر اجاره خواهند داد
 و خالصه را با اولیای دولت
 و بی دولت سال اجاره خواهند
 داد و بکسر اجاره دادند
 شب ایلطی چند خواهد بود
 حکم و سررشته مستحق
 مطالبه همان وجه اجاره
 که اولیای دولت و آریه
 دهندند که همانرا از
 مستأجر مطالبه و دریافت
 نمایند و دیگر هیچ وجهی
 در کار خالصه نمایند
 و الا اگر اجاره دهندند
 حاکم و سررشته دار بر
 عین مستأجر زمین دیگر
 شایلی که در میان تفرق
 خواهند داشت اجاره و
 بختیله با ده ساله به
 بند و برای اطمینان و
 استحکام عمل مستأجر
 همان اجاره نامرد
 زمستانه در بطن آن
 زمان صاف کنند و اگر
 حاکم و سررشته دار
 خواسته باشد عمل
 کنند بناید حکم آنچه
 عمل در آن است یا
 زیادتر از وقت
 مطالبه نمایند اول
 باید خود عین تکلیف
 کنند که قبول
 اجاره نموده با
 طلاع حاکم و
 سررشته دار
 ولایت اجاره
 نامردند همان
 وجه اجاره را
 مطالبه نمایند
 و الا اگر عین
 قبول نگیرد
 خود ضابطه
 این بکارند
 و نسیب در
 کسب بر بعضی
 که متون
 لایست است
 حق سهم
 خود را از
 محصول
 آنجا ضبط
 کنند و
 ضرر آن
 بر عین
 میمنت
 نخواهد
 داشت
 حاکم و
 پیشکار
 خواهد
 بود و
 فرار
 اجاره
 خالصه
 بختیله
 در این
 است
 خواهد
 اولیای
 دولت
 اجاره
 به بند
 یا حاکم
 و سررشته
 دار
 خالصه
 است و در
 بعضی
 یا
 منصفت
 ارد و
 بعضی
 یا کسر
 آنچه
 منصفت
 ارد به
 بیست
 باره
 منصفت
 خواهند

پیام بهارستان / ۴، س ۴، ش ۱۳ / پاییز ۱۳۹۰

و آنچه که کردارد با بنظر قرار بدهند که در سه سال اول تخفیف منظور دارند و
سه سال بعد از آن تمام و کمال مالیات را ادا نمایند و در دو سال بعد از آن
آن تخفیف سه سال سابق را از عمده برآیند و در دو سال آخر یکدیکه بیکت علاوه بر
مالیات منصف بدو آن بدهند و در وقتی که خالصه تراجا را میدهند تخفیف
نامنور خواهند نمود که رشدا از هر چیز خالصه را باز دیده کرده از آنجا بیرون
و آب زراعت گاو و غیره باز دیده نموده تخفیف مستاجر بدو در سال هم که بدهد
و اگر مستحق مستاجر است باز تخفیف بدهد که اگر یکدیگر برآید می باشد خالصه تراجا
در نزد او ایلی و لست مستحق خواهد بود و مستاجر مورد انصاف خواهد شد و اگر در
خواست باشد با بفراری بدید اجاره داده میشود و اگر هیچ غیر در از ذوقی
آباد می آید نموده است پیش پی همسایگی مستاجر همان یکدیگر بیکت علاوه بر مالیات که
و اگر در آبادی آنکس و لقصی هم رسیده باشد آن مستاجر باید از ادا می بد اجاره
که کار برآید مدت یکسال هم در سبب باشد بعد از آن هم احدی در هیچ جا قول در
و مناط خواهد داشت اما مالیات را بی را بر سرشته و از برات بخواهد بدهد
و چهار حال را بدست نرانیست به وجود توایب بکات فسطح را جمع نمانند خوب
که گذارد مردم بیکدیگر نقدی کنند برات مالیات را بر سرشته و در اطلاع حاکم بود
در سه روز اولی در آنجا بجز بکنند که بدهد بی چهار پر برات حوالی کند برات با
بهر حاکم باشد در پشت آن صورت بر سرشته دارد و خوب بدار و بکل بقرت را در

مستاجر بدهد که در سه سال اول تخفیف منظور دارند و در دو سال بعد از آن آن تخفیف سه سال سابق را از عمده برآیند و در دو سال آخر یکدیگر برآید می باشد خالصه تراجا در نزد او ایلی و لست مستحق خواهد بود و مستاجر مورد انصاف خواهد شد و اگر در خواسته باشد با بفراری بدید اجاره داده میشود و اگر هیچ غیر در از ذوقی آباد می آید نموده است پیش پی همسایگی مستاجر همان یکدیگر بیکت علاوه بر مالیات که و اگر در آبادی آنکس و لقصی هم رسیده باشد آن مستاجر باید از ادا می بد اجاره که کار برآید مدت یکسال هم در سبب باشد بعد از آن هم احدی در هیچ جا قول در و مناط خواهد داشت اما مالیات را بی را بر سرشته و از برات بخواهد بدهد و چهار حال را بدست نرانیست به وجود توایب بکات فسطح را جمع نمانند خوب که گذارد مردم بیکدیگر نقدی کنند برات مالیات را بر سرشته و در اطلاع حاکم بود در سه روز اولی در آنجا بجز بکنند که بدهد بی چهار پر برات حوالی کند برات با

در هیچ جا مستاجر بدهد که در سه سال اول تخفیف منظور دارند و در دو سال بعد از آن آن تخفیف سه سال سابق را از عمده برآیند و در دو سال آخر یکدیگر برآید می باشد خالصه تراجا در نزد او ایلی و لست مستحق خواهد بود و مستاجر مورد انصاف خواهد شد و اگر در خواسته باشد با بفراری بدید اجاره داده میشود و اگر هیچ غیر در از ذوقی آباد می آید نموده است پیش پی همسایگی مستاجر همان یکدیگر بیکت علاوه بر مالیات که و اگر در آبادی آنکس و لقصی هم رسیده باشد آن مستاجر باید از ادا می بد اجاره که کار برآید مدت یکسال هم در سبب باشد بعد از آن هم احدی در هیچ جا قول در و مناط خواهد داشت اما مالیات را بی را بر سرشته و از برات بخواهد بدهد و چهار حال را بدست نرانیست به وجود توایب بکات فسطح را جمع نمانند خوب که گذارد مردم بیکدیگر نقدی کنند برات مالیات را بر سرشته و در اطلاع حاکم بود در سه روز اولی در آنجا بجز بکنند که بدهد بی چهار پر برات حوالی کند برات با

مستاجر بدهد که در سه سال اول تخفیف منظور دارند و در دو سال بعد از آن آن تخفیف سه سال سابق را از عمده برآیند و در دو سال آخر یکدیگر برآید می باشد خالصه تراجا در نزد او ایلی و لست مستحق خواهد بود و مستاجر مورد انصاف خواهد شد و اگر در خواسته باشد با بفراری بدید اجاره داده میشود و اگر هیچ غیر در از ذوقی آباد می آید نموده است پیش پی همسایگی مستاجر همان یکدیگر بیکت علاوه بر مالیات که و اگر در آبادی آنکس و لقصی هم رسیده باشد آن مستاجر باید از ادا می بد اجاره که کار برآید مدت یکسال هم در سبب باشد بعد از آن هم احدی در هیچ جا قول در و مناط خواهد داشت اما مالیات را بی را بر سرشته و از برات بخواهد بدهد و چهار حال را بدست نرانیست به وجود توایب بکات فسطح را جمع نمانند خوب که گذارد مردم بیکدیگر نقدی کنند برات مالیات را بر سرشته و در اطلاع حاکم بود در سه روز اولی در آنجا بجز بکنند که بدهد بی چهار پر برات حوالی کند برات با

پیام بهارستان / ۲۴، س ۴، ش ۱۳ / پاییز ۱۳۹۰

۸

که توفیق افتاده باشد از هر کس که مالیات را معطل داشته
نداده است تومانی دو سینه نارس خدستانه دریافت خواهد کرد و بدو
اینکه دیگر کسی ذینت برساند و اگر برای طغی دعای است از باستان یکی
که باید بجا حکم برسد بکشتر از دیکت ابد از اتسام عمل بجبت
خسر اجات خود دریافت خواهد نمود

تکلیف صاحب منصب قشون و لشکر نویسی است که اگر کاری فایده
نوکور رعیت اتفاق نیست حاکم با اطلاع او تصدیق و اصلاح نماید
و اگر از نوکر باب کسی در ادای مال دیوان خود اجمال نماید که مرشد
برساند و مواعی که بنوکور داده میشود باید شجوه موجب نوکر را تمام
موجود نموده بعد از آن کل نوکر را حاضر کرده حاکم در سر رشته دار
و سخن بدار و صاحب منصب نظام و لشکر نویسی نشسته در حضور آنها نفر
بفرموده موجب بنوکور داده شود و اگر از روزار تخلف لشکر لازم برانند
دیگر هم همین خواهند کرد که او هم حضور داشته باشد و در عمل
مطلقاً استحصار لشکر نویسی را شرط نموده اند

تکلیف نوکلان این است که از هر قریه بجز آنکه خدا که رعیت قبول نمایند
با اطلاع حاکم و سر رشته دار مباشرتاً کار خود قرار بدهند برات نیاست
که از سخن بدار یکسبند فقط آنرا موافق تشخیص سر رشته دار بکنند خدا

اینکه اگر کسی ذینت برساند و اگر برای طغی دعای است از باستان یکی که باید بجا حکم برسد بکشتر از دیکت ابد از اتسام عمل بجبت خسر اجات خود دریافت خواهد نمود

پیام بهارستان / ۲۴، س ۴، ش ۱۳ / پاییز ۱۳۹۰

در بابان حواله نماید که وصول کرده قسط بقط آورده تحویل کلا نماید و
 همیشه روزنامه احوال دانت را برای آنها پاورده که آنچه در عرض یک ماه از
 تغییر تبدیل تولید و موت و غیره واقع می شود در آن بنویسند که
 بکلا برسانند و کلا سجا که بدینست و حاکم بر روزنامه نویس بدین
 که یا خلاصه یا اصل آنرا برای اولیای دولت بنویسند
 تکلیف که خدا باین در عیال است که از هر بلوک برضای خواص خود و غیر
 وکیل تعیین نماید اولاً مالیات هر کسی بقدریک حاکم و شکار حواله بکنند
 یعنی در هر شاد و مراع و موش هر کسی شخص کرده حواله نماید که هر کس قسط
 مالیات خود را داده قبض از که خدا در یافت نماید و بدون قبض که خدا
 دیاری خنده هر کس مالیات خود را در موعده نبرد از در شهادت موعده
 که در فصل شهادت که خواهد شد و چهار جزا بدگشت نماید که خدا باین
 قسط وصول نرود و کلا می دینرسند اگر اجبا بعضی از بلوکات دور
 باشد که خواهند که خدا باین سنه اخذ بکلا برسانند حاکم با اذن اهل آن بلوک
 یا ناسی که برای آنها تعیین کرده است اینرا شخص خواهد کرد که خدا باین بل
 خود را قسط بقط با داده قبض در یافت نماید و او خستاده بویکل
 آن بلوک برساند و که خدا باین دانت ماه با روزنامه وقایع اتفاق
 در هر چه واقع می شود از موت تولید و تغییر تبدیل هر را بنویسند و کلا

این در وقت بدست دانت است از بلوک قسط
 در خصوص بلوکات دانت هر کس که در وقت
 و بویکل در هر چه واقع می شود از موت
 تولید و تغییر تبدیل هر را بنویسند و کلا

در وقت چون ایت غیر بکلا در پیش
 که در وقت بلوکات ماه و دانت با
 به چند مانع و خصوصاً در وقت
 مالیات در وقت بلوکات که در وقت
 قسط در وقت بلوکات که در وقت
 قسط در وقت بلوکات که در وقت

پیام بهارستان / ۴، س ۴، ش ۱۳ / پاییز ۱۳۹۰

خود برسانند که آنها جدا از اطلاق حاکم بر روز نامه نویسنده و نوی بدین
 تکلیف میز این است که هر یک از دیات را که اول کلا قبول کنند
 و بگویند که در موافق دستور اهل حاکم در سر رشته دار و در قرار قبول
 ولایت میز می ساحت نماید و اگر کسر داشته باشد معلوم نماید که هر سال
 جابانی که منفعت داشته و عوض کسر آمده که داشته میشد بجا بوده بطلاق
 حاکم و پیشکار میز می ساحت کند و صورت میز می را هم بدین خانه دولت
 بفرستد و هم بجا کند و پیشکار بدید و اگر در ولایت سراج کند جابانی را
 که از میز می برای دولت منفعتی علاوه حاصل شود یا ولایتی دولت بفرستد
 فصل ثانی در پشمیات نظم کلی حاصل نخواهد شد مگر تعیین حدود
 پشمیات عدم کدشت از آن استوار نظم منوط به استحکام قواعد پشمیات
 و مساوات در اجرامی آن که فرق با این غنی و فقیر نگذارند و حسب
 نشانم رند خادم را جزا دهند و خاین را سزا بخشند و کافر را سزا بفرستند
 از آنچه در حدود پشمیات تعزیر میشود و وسایط و پیشکش سباب
 کدشت آن نخواهد شد حاکم در سر رشته دار اگر زیادتر از دستور
 اهل دیوانی بر رعیت خواهد کردند اگر از یک تومان تا پانصد تومان کدشت
 باشد در سال اول اهل از بر رعیت پس بدو و معادل همان هم از
 حق آنکس و او تا یکسال قطع خواهد شد و اگر سال دیگر هم مرتکب این عمل شود

بسم الله الرحمن الرحیم
 این مرسوم در روز ...
 در شهر ...
 در سال ...

تکلیف میز می
 سرتیتر ...
 حاکم ...
 در روز ...
 این مرسوم ...
 در روز ...
 در شهر ...
 در سال ...

تکلیف روزنامه نویسنده
 در حدود روزنامه نویسنده که در اوقات جمع است
 محمد از جمله دیوگات بوده ۲۰ روز و بعد
 در روز ...
 در شهر ...
 در سال ...

پیام بهارستان / ۴، س، ۴، ش، ۱۳ / پاییز ۱۳۹۰

حکم کسی بر او جاری خواهد شد که هزار تومان نقدی کرده باشد و اگر از پند
 تومان تجاوز کند خواه منفرداً یا بیشتر که منقول خواهد شد و اگر از هزار تومان
 تجاوز کند بعد از عزل ششماه هم در مجامع خواهد بود و بدو هزار تومان که سید
 او را بسج خدمتی نامور نخواهند کرده و بعد از ترخیص از حبس هم اصدی با او
 نایک سال معاشدت نخواهد کرد

حاکم دادتون خواهد بود که در دعوی بعد از اتمام یکده یکت برای خودش
 و خدمتانش محصل مرجع استجوع در یافت کند و بکر محصل با تو که حاکم می
 بنا بر جتد و بیماری پیشتر اگر حاکم زیاد تر بگردند آن جهان است که در
 فوق مسطور است اگر محصل بگردند خواه با المضاغف از او دریافت و
 هر تومانی ده روز مجوس خواهد بود بگوکات نزدیکت بدار آنکو
 یا این فرار او حاجت بنایب ندارد و نواب بگوکات دور دست
 بنا بر مطالبه مالیات مداخله نمایند مثل آنها خطه و صیانت رعیت است
 از شهر هشتراد و رسیدگی باینکه گذارد کسی کسی ظلم و ستم نمی کند و هر
 قدر حاکم و پیشکار برای اخراجات و معین بنمایند باید دستی بگرداند و چون
 سجاله داد و دست نخواهد بود و اگر از کسی با ستم جوید و غیره چیزی بگرد
 از یک تومان تا پست تومان را با المضاغف از او گرفته خواهد شد و از
 پست تومان نقدی که تجاوز کند منقول خواهد شد اگر بصد تومان پس

چون سال مالیاتی از او گرفته شود
 و اگر از پند تومان تجاوز کند
 خواه منفرداً یا بیشتر که منقول
 خواهد شد و اگر از هزار تومان
 تجاوز کند بعد از عزل ششماه
 هم در مجامع خواهد بود و بدو
 هزار تومان که سید او را بسج
 خدمتی نامور نخواهند کرده و
 بعد از ترخیص از حبس هم اصدی
 با او نایک سال معاشدت نخواهد
 کرد

حاکم دادتون خواهد بود که در دعوی بعد از اتمام یکده یکت برای خودش و خدمتانش محصل مرجع استجوع در یافت کند و بکر محصل با تو که حاکم می بنا بر جتد و بیماری پیشتر اگر حاکم زیاد تر بگردند آن جهان است که در فوق مسطور است اگر محصل بگردند خواه با المضاغف از او دریافت و هر تومانی ده روز مجوس خواهد بود بگوکات نزدیکت بدار آنکو یا این فرار او حاجت بنایب ندارد و نواب بگوکات دور دست بنا بر مطالبه مالیات مداخله نمایند مثل آنها خطه و صیانت رعیت است از شهر هشتراد و رسیدگی باینکه گذارد کسی کسی ظلم و ستم نمی کند و هر قدر حاکم و پیشکار برای اخراجات و معین بنمایند باید دستی بگرداند و چون سجاله داد و دست نخواهد بود و اگر از کسی با ستم جوید و غیره چیزی بگرد از یک تومان تا پست تومان را با المضاغف از او گرفته خواهد شد و از پست تومان نقدی که تجاوز کند منقول خواهد شد اگر بصد تومان پس

حاکم دادتون خواهد بود که در دعوی بعد از اتمام یکده یکت برای خودش و خدمتانش محصل مرجع استجوع در یافت کند و بکر محصل با تو که حاکم می بنا بر جتد و بیماری پیشتر اگر حاکم زیاد تر بگردند آن جهان است که در فوق مسطور است اگر محصل بگردند خواه با المضاغف از او دریافت و هر تومانی ده روز مجوس خواهد بود بگوکات نزدیکت بدار آنکو یا این فرار او حاجت بنایب ندارد و نواب بگوکات دور دست بنا بر مطالبه مالیات مداخله نمایند مثل آنها خطه و صیانت رعیت است از شهر هشتراد و رسیدگی باینکه گذارد کسی کسی ظلم و ستم نمی کند و هر قدر حاکم و پیشکار برای اخراجات و معین بنمایند باید دستی بگرداند و چون سجاله داد و دست نخواهد بود و اگر از کسی با ستم جوید و غیره چیزی بگرد از یک تومان تا پست تومان را با المضاغف از او گرفته خواهد شد و از پست تومان نقدی که تجاوز کند منقول خواهد شد اگر بصد تومان پس

حاکم دادتون خواهد بود که در دعوی بعد از اتمام یکده یکت برای خودش و خدمتانش محصل مرجع استجوع در یافت کند و بکر محصل با تو که حاکم می بنا بر جتد و بیماری پیشتر اگر حاکم زیاد تر بگردند آن جهان است که در فوق مسطور است اگر محصل بگردند خواه با المضاغف از او دریافت و هر تومانی ده روز مجوس خواهد بود بگوکات نزدیکت بدار آنکو یا این فرار او حاجت بنایب ندارد و نواب بگوکات دور دست بنا بر مطالبه مالیات مداخله نمایند مثل آنها خطه و صیانت رعیت است از شهر هشتراد و رسیدگی باینکه گذارد کسی کسی ظلم و ستم نمی کند و هر قدر حاکم و پیشکار برای اخراجات و معین بنمایند باید دستی بگرداند و چون سجاله داد و دست نخواهد بود و اگر از کسی با ستم جوید و غیره چیزی بگرد از یک تومان تا پست تومان را با المضاغف از او گرفته خواهد شد و از پست تومان نقدی که تجاوز کند منقول خواهد شد اگر بصد تومان پس

پیام بهارستان / س ۴، ش ۱۳ / پاییز ۱۳۹۰

دوبست تا زیاده خواهد خورد و ششماه در مجلس محاطه مجوسین با او
 میشود مقصری که در بلوکی باشد که فرجه جبر کنند و بجایک اطلاع بدین آواز
 غوررسی کند اگر خود مرکبی اگر مقصر است که فرجه جبر کرد و بی اذن حاکم
 ترخص کرد و تفاوت تقصیر و لایست از ده تومان تا صد تومان جرید خواهد
 کند خدا اگر در حواله دادند با لایست زیادتی کند آنچه زبانی کرده باشد
 بعلاوه تومانی دوزی یکجا ہی ضمه نماید خواهد داد و اگر آن زیادتی از
 یکت تومان تا پنج تومان باشد تومانی دود و در مجلس خواهد ماند و اگر از
 پنج تومان بگذرد بعلاوه ایام صین و بست تا زیاده خواهد خورد و از کد قضا
 معزول خواهد شد رعیت چاید با لایست خود را مرفی تقسیم کرد خدا
 در سه قسط کار سازی کند و هرگاه در قسط معین رساند اگر غندی می شود
 داشته باشد بکند خدا با طلع چند نفر از اهل ابادی اعلام کند و خبر بدید
 که بفلان جهت این قسط را میخواهم بدیم اگر کند خدا خوش را بقل کرد تا
 بگوک یا بوکیل شهری خود بخار بکند فوراً او را آورده آنچه با لایست را
 معقب افتاده در یافت خفایند و در از او این تقصیر هر تومانی را
 بست و در مجلس نگاه میدارند
 و اگر حاکم در اجرائی صد و پنجاهم نر بوره کونای کند یا بدون جهت
 کسرا در مقام شپه در آورد و در لال کند از صد تومان تا با صد تومان خواهد

مجلس محاطه مجوسین
 در مجلس محاطه مجوسین
 در مجلس محاطه مجوسین
 در مجلس محاطه مجوسین

دوبست تا زیاده خواهد خورد
 میشود مقصری که در بلوکی باشد
 غوررسی کند اگر خود مرکبی
 ترخص کرد و تفاوت تقصیر
 کند خدا اگر در حواله دادند
 بعلاوه تومانی دوزی یکجا ہی
 یکت تومان تا پنج تومان باشد
 پنج تومان بگذرد بعلاوه ایام
 معزول خواهد شد رعیت چاید
 در سه قسط کار سازی کند
 داشته باشد بکند خدا با طلع
 که بفلان جهت این قسط را
 بگوک یا بوکیل شهری خود
 معقب افتاده در یافت خفایند
 بست و در مجلس نگاه میدارند
 و اگر حاکم در اجرائی صد و پنجاهم
 کسرا در مقام شپه در آورد

پیام بهارستان / ۲۰، س ۴، ش ۱۳ / پاییز ۱۳۹۰

۱۲

میز آنکه در مینوی بی که نامور میشود بی عدالتی کند و معلوم شود در شوه
 گرفته و بار کسی بزد و مشن بگری گذاشته از یکما باشش ماه در حبس
 بود و از شغل منزول میشود روزنامه نویسنه و بان روزنامه
 دهاست بلوکات را بعینه نزد اولیای دولت بفرستد و غیر از آن هم
 وقایع را برون کم و زیاد بنویسد اگر بعضی خلاف چربی نویسد
 و معلوم شود معزول خواهد شد و ابتدا بیس خدمتی با و رجوع نخواهد
 رسید تا زمانه خواهد خورد

نویسنه را اگر در کرفتن خواه زیادتی کند و زیادت کبیره و ایرت
 یا سخن بگری بجهت کند و ایراد بکرد و مطالبه رسوم کند آنچه
 زیادتی کرده باشد از او استرداد خواهد شد بعلاده و تومایسنه
 صد و بیار خدمتند و اگر زیادتی آن از صد تومان بگذرد معزول
 و شش ماه محبوس خواهد شد

کسی که در حق کسی افرا بگوید یعنی بد و رخ عرضی بکند اگر از غوغات شرعی
 اسناد داده است از معاصی کبره بگذرند و داد و آنچه حکم شرعی
 آنست در حق او جاری خواهد کرد وید و اگر نمل کرد در حق فاعل و جامل
 آنچه حکم شرع است حدود شرعی بعمل خواهد آمد و اگر اسناد منوغات
 عرفی است که بگوید عن ظلم کردن یا فلا نفع مال بر از این که مشند

اینکه در مینوی بی که نامور میشود بی عدالتی کند و معلوم شود در شوه گرفته و بار کسی بزد و مشن بگری گذاشته از یکما باشش ماه در حبس بود و از شغل منزول میشود روزنامه نویسنه و بان روزنامه دهاست بلوکات را بعینه نزد اولیای دولت بفرستد و غیر از آن هم وقایع را برون کم و زیاد بنویسد اگر بعضی خلاف چربی نویسد و معلوم شود معزول خواهد شد و ابتدا بیس خدمتی با و رجوع نخواهد رسید تا زمانه خواهد خورد

پیام بهارستان / ۲۵، ۴، ش ۱۳ / پاییز ۱۳۹۰

۱۱۴

پس بجای کردند و بگنبد اسناد دهد و دست نازمانه خواهد خورد و از یکماه
 تا ششماه در حبس خواهد بود محصل اگر در ناموریت سمانه خوبی کند
 یا در مقام شرف و آزار و اذیت کسی بر آید باز باده از آنچه در حکم او
 مقرر شده است مطالبه نماید از صد الی سیصد تا زمانه خواهد خورد
 و از یکماه الی ششماه در حبس خواهد بود

فصل سیم در رعایت رعایت که در حقیقت رعایت رعایت رعایت
 منوط بر آنست که بعضی مخارجی که حالا معمول است از قبیل پیشکش و
 تعارفات در خانه و تکلف در خانه و احضار اجات تحصیل و غیره
 از حاکم مطالبه نشود مگر اینکه از دیوان وجهی در برابر اینگونه اجرات
 معاین شود و تسراری هم در باب اینطور مخارج داده شود با اطلاع
 پیشکار و تجوید ار داده شود در آخر سال یکم و زیاده حساب آن
 رجوع شود و حد و پیشهائی نیز برای خلاف کنندگان معین شود

تال جامع علوم انسانی

بازن علم نامه از دیوانه نام و در
 کلمه نازمانه از لغت معانی
 نامت از لغت معانی
 از کلمه نازمانه

پیام بهارستان / ۲۰، ۴، ش ۱۱۳ / پاییز ۱۳۹۰